

بررسی تأثیر فرهنگ غدیر بر تحقق حکومت مردم سالاری دینی

حمید روح الامینی

دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران، کارمند دادگستری حاجی آباد

چکیده

غدیر یک الگوی حکومتی کامل و دینی دانست و بر ضرورت معرفی این الگوی حکومتی دینی به جهانیان تأکید فراوان شده است. بنابراین هدف این پژوهش حاضر نقش فرهنگ غدیر بر تحقق حکومت مردم سالاری دینی می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، مروری می باشد. این پژوهش سعی بر آن دارد که استفاده از فرهنگ غدیر را در مورد حکومت مردم سالاری دینی، مورد بررسی قرار دهد. نتایج این تحقیق نشان داد که بهترین نوع حکومت مردم سالاری دینی حکومت مبتنی بر فرهنگ غدیر و ولایت می باشد.

کلمات کلیدی: حکومت، دین، غدیر، فرهنگ

۱. مقدمه

با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، توجه به فرهنگ اسلامی در رأس کارها قرار گرفت. این امر از آنجا اهمیت پیدا کرد که پیروزی انقلاب اسلامی مدیون تکیه کردن رهبران آن بر فرهنگ اسلامی بود. بنابراین همچنان که نظام با تکیه بر فرهنگ اسلامی بر سر کار آمده بود، برای تداوم حیات نیز می‌بایست بر فرهنگ اسلامی تکیه می‌کرد. بدیهی است در جمهوری اسلامی، هدف سیاست‌های رسمی تقویت و گسترش فرهنگ اسلامی بوده است. یکی از مهمترین تفکراتی که در انقلاب اسلامی وجود دارد تفکر ولایت و غدیر می باشد والگو برداری حکومت اسلامی از شیوه حکومت حضرت علی (ع) می باشد. یکی از موادی که در زندگی پیامبر و حضرت علی (ع) خیلی به آن توجه می شد مسایل اقتصادی می باشد و می توان گفت اولین اقتصاد مقاومتی در فرهنگ اسلامی در شعب ابی اطالب رخ داد در آن زمان به دلیل تحریمات ظالمانه علیه مسلمانان دوران اقتصادی سختی را مسلمانان گذراندند که با رهنمودهای حضرت محمد (ص) و توصیه های ایشان در خصوص تحمل اقتصادی این دوران سخت را گذراندند. وضعیت فعلی نظام اسلامی با توجه به تحریمات شبیه اوایل اسلام می باشد. شاید دیگر وقت آن فرا رسیده باشد که تصور جوانان ما از غدیر فراتر از یک صحنه بالا بردن دست امیرالمومنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله شود و به غدیر با نگاهی فراتر از یک واقعه تاریخی نگاه کنند بلکه بتوانند مفهوم زندگی ساز غدیر را در امروز و فردای خود و جامعه شان ترسیم و تحلیل نمایند.

بدون شک تصدیق مبانی ولایت مطلقه فقیه مبتنی بر تحکیم مسئله ولایت و خلافت الهی و دینی در افراد است. آنچه مشخص است آن است که جان جوانان ما باید با عمق و ریشه غدیر انس بگیرد تا رشد شجره ولایت در وجودشان از آن ها عناصری ولایتمدار برای این کشور اسلامی بیافریند. جا انداختن این مطلب که حاکمیت بر انسان ها فقط حق خالق ایشان یعنی خدای آسمان و زمین است که فرستادگان و ماذونان از جانب خداوند همیشه رشته متصل این حکومت در بین انسان ها هستند، مهم است؛ غدیرخیم، اولین و اساسی ترین عامل جمعی و حرکتی در تحت تأثیر قرار دادن فرهنگ افراد جامعه است. همین غدیر است که در کتب و احادیث، منعکس شده و سینه به سینه منتقل شده است و شاهدان بیشماری بر آن صحنه گذاشته اند. بی گمان تبیین واقعه غدیرخیم و عوامل مؤثر بر گسترش آن در بین افراد جامعه، از دیدگاه جامعه شناسی از موارد مهمی است که باید در نظر گرفته شود. واقعه غدیرخیم هر چند جمیع الابعاد است، ولی دارای ابعادی مهم می باشد که باید برای افراد جامعه باز گفته شود و به آنها اشاره نمود. شناخت و تبیین چگونگی گسترش و توسعه ابعاد غدیرخیم، به ویژه برای اقشار نوجوان و جوان، نیاز مبرم روزمره بوده و خواهد بود. حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) درباره برنامه ریزی در زندگی مومنان می فرمایند: مومن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت هایی که حلال و مایه زیبایی است، خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت های حلال. مدیریت و اهمیتی که جهاد اقتصادی و معیشت مسلمانان برای حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) داشته است موجب شده تا ایشان پس از بازگشت از جنگ صفین در وصیتنامه ای که به وصیت نامه اقتصادی مشهور است نسبت به اموال شخصی خود و ضرورت حفظ این اموال برای مسلمان تأکید کند. سیره و سنت امام علی بر این بود که اگر جامعه ای بخواهد مستقل و قدرتمند به حیات اجتماعی و سیاسی خود ادامه بدهد، ناچار به اشتغال زایی و مبارزه با بیکاری و تن پروری است و به همین جهت برای رسیدن به این هدف مهم بر اشتغال زایی و فعالیت افراد در جامعه تأکید می کرد و خود نیز برای ایجاد کار برای جوانان تلاش می کرد.

تاریکی و سردی جهالت در قرون جاهلیت که پرده غفلت و خواب را بر انسانهای جاهل در سالیان متمادی انداخته بود، با ظهور آفتاب گرم اسلام و خورشید عالم تاب حضرت ختمی مرتبت کم کم حیات و زندگی را به مردم هدیه میداد و بیداری اسلامی را پدیدار می ساخت اما عامه مردم با توجه به وقایع بی شمار زمان پیامبر از درک اوج این لذت بیداری بوجد آمده بی بهره ماندند و رحلت آنجناب فرصتی شد تا عده ای از این خلاء بوجود آمده، القای شبهات فراوان، ایجاد رعب و وحشت و جهل عامه مردم از بیداری بوجود آمده جلوگیری نموده و مردم را با خدعه ها و نیرنگهای رنگارنگ به لذت خواب بین الطلوعین

بکشاند در این میان تنها کسانی که اهل سحر بودند و با اشک و آه همراه با مستی عهدی که در غدیر بسته بودند بیدار ماندند و طلوع فجر صبح را به انتظار ماندند .

غدیر محلی است که کوثر ولایت و امامت از آن جوشیدن گرفت و شراب گوارای آن جان تشنگان معرفت ولایت و امامت را تا هم اکنون و تا مطلع فجر سیراب میکند . به نحو رشد گیاهان و تولد انسان نگاه کنید چه سری است که باید تخم گیاهان و درختان در تاریکی زمین نهاده شود و جوانه زده و رشد کند ، نطفه انسان را بنگرید چگونه از سه تاریکی شکم مادر به علقه و مضغه و گوشت و استخوان تبدیل میشود ، از میان هزاران تخم نهاده شده در زمین تنها تعداد خاصی رشد میکنند چرا که آن که باید رشد کند باید ابتدا ظرفیت و قابلیت خویش را بیابد و از سوی دیگر باید انسانی کامل بعنوان خلیفه و جانشین الهی و صاحب دم مسیحایی در کالبد بی جان موجودات عالم بدمد و موجودات را بر اساس توانایی هایشان به سمت حیات و زندگی هدایت کند ، و تنها انسان کامل و امام است که میتواند هر صاحب حقی را به حق خودش برساند و به عدالت رفتار نماید.

میگویند در زمان امیر مومنان شخصی به حصرت فرمودند چگونه است که شما و مالک اشتر به یک اندازه در این جنگ از اصحاب دشمن را از پای در آوردید ، حضرت فرمودند فرق من با مالک در این است که مالک همه را از دم تیغ میگذراند اما من اگر در چند نسل بعد کسی تنها یک شیعه ببینم او را نمی کشم ؛ بنابراین امام تنها آگاه به مصالح مردم است نه کسانی که با اجماع و رای مردم برگزیده میشوند ، رهبری آگاه و عالم به مصالح امور مردم بهترین گزینه برای هدایت مردم است ، آیا افرادی چون نلسون ماندلا و گاندی و... را میتوان به عنوان رهبران یک انقلاب اسلامی نامید . تاریخ گویای آن است که انقلاب را تنها افرادی به پیش بردند که بر فطرت خود سرپوش نگذاشته اند و خود را درک کرده اند و توانایی های موجود در خویش و دیگران را به وضوح لمس کرده اند ، اما این تنها برای انقلاب کافی نیست بلکه آنچه را میتوان بعنوان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی نامید انقلابی است که رهبری آن از چشمه زلال غدیر سیراب شده باشد بنابراین خط کشی مانند غدیر از صدر اسلام میزان و مقیاس اسلامی و غیر اسلامی بودن حرکت های مردمی و انقلابهاست.

غدیر الگویی حکومتی کامل و دینی است که باید به جهانیان معرفی شود مهم ترین پیام غدیر ولایت مداری در جهت حفظ وحدت است ، خاطر نشان کرد: احیای فرهنگ غدیر، رسالت و وظیفه مهم شیعی در جهان است و باید مفاهیم اساسی و مهم غدیر با زبانی شیوا برای مردم جهان تبیین شود.

آنچه در کشور ولایت و میهن ما که کانون محبتان اهل بیت است، با نام «جمهوری اسلامی» شکل گرفت، الهامی بود که امام خمینی از «سنت نبوی»، «حکومت علوی»، «حماسه حسینی»، «فقه جعفری» و «انتظار مهدوی» گرفته بود. گرچه سیره و کلام همه معصومین علیهم السلام، در شکل گیری اندیشه حکومتی حضرت امام نقش داشت، ولی آنچه از کلام و سیره حکومتی و عدالت گستری و حق مداری حضرت علی(ع) در نظر امام امت جای داشت و در سخنان گهربارش انعکاس می یافت، سهمی بیشتر داشت. بدون تردید غدیر تنها یک واقعه تاریخی به حساب نمی آید و از آنجایی که پیام اصلی غدیر ولایت و حکومت است و جوهره غدیر به تعیین شکل صحیح رهبری و مدل حکومتی بدون انحراف برمی گردد این مسئله در هر عصر و دوره ای مصداق دارد . در حد ظرفیت این نوشته، به برخی مستندات سخنان و دیدگاههای امام، از کلام حضرت امیر(ع) در خصوص حکومت مردم سالاری دینی پرداخته می شود.

۲. ادبیات تحقیق

جوهره سیاسی و بعد حکومتی دین اسلام، آنچنان واضح و گویاست، که جز از جاهلان یا مغرضان بر نمی آید که آن را انکار و تکذیب کنند. حکومتی که پیامبر اکرم(ص) پس از هجرت، در مدینه تشکیل داد، و «ولایت»ی که برای تداوم خط رسالت، پیش بینی شده بود و حضرت امیر(ع) در زمان مقتضی عهده دار آن شد و «حکومت» را به دوش گرفت تا دین خدا را با تکیه بر قدرت اجرایی در جامعه پیاده کند، گویاترین سند و شاهد این ادعاست. امام، در موارد فراوانی در پاسخ به شبهه آفرینی کوه نظران نسبت به تشکیل حکومت یا ورود به مسایل سیاسی، به سیره حضرت علی(ع) استناد می فرمود. به این چند نمونه توجه کنید: «خاصیتی که در علی بن ابی طالب(ع) بود که یک رجل سیاسی بود، از خطش معلوم است که مرد سیاست بوده و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایی که داده، همه اش دستورهای سیاسی است.» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۸).

«آن هم حکومت حضرت امیر است که همه تان می دانید و آن وضع حکومتش و آن وضع سیاستش و آن وضع جنگهایش. نگفت که ما بنشینیم در خانمان دعا بخوانیم و زیارت بکنیم. چکار داریم به این حرفها، به ما چه.» (صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸). «حضرت امیر، حکومت اسلامی داشت و حکومتهای اسلامی می فرستاد آن طرف، اینها سیاست نبودند؟» (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۶).

«حضرت امیر، یک مملکت را اداره می کرد، سیاستمدار یک مملکت بود.» (صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۶۷). حکومت حضرت علی (ع) از دیدگاه امام راحل، خط بطلانی است بر اندیشه بیمار و استعماری «جدایی دین از سیاست» که از دیرباز دشمنان آن را تبلیغ می کردند و امروز نیز به شکلی دیگر تکرار می شود. حضرت امام به سیره امیرالمؤمنین استناد می کند تا این تفکر انحرافی را نفی کند، در بحث ولایت فقیه، می فرماید: «این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده اند. این را بی دینها می گویند. مگر زمان پیغمبر اکرم (ص) سیاست از دیانت جدا بود؟ ... مگر زمان خلفای حق یا ناحق، زمان خلافت حضرت امیر (ع)، سیاست از دیانت جدا بود؟ دو دستگاه بود؟ این حرفها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده اند تا دین را از تصرف در امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند.

از شاخصه های مهم «حکومت علوی» که آبرویبخش نظام امامت است، «عدالت اجتماعی» است. نمونه های فراوانی در سیره آن حضرت، نشان دهنده اهمیت این مسأله برای او به عنوان ضامن اجرای احکام اسلام در جامعه است. روشی که او در استفاده از بیت المال و تقسیم برابانه آن میان صاحبان حق، پرهیز از تبعیض در داوری، برخورد با متخلف، هر کس که باشد، هر چند برادر یا دختر خودش باشد، پدید آوردن عرصه ای برای شکایت از ظالم و رسیدگی به مظلومان و احقاق حق آنان، یکسان دیدن عرب و عجم در عطاها از بیت المال، پرهیز از کمترین ستمی در حق ضعیف ترین افراد و طبقات، اجرای حدود الهی بدون اغماض در باره زورمندان و اشراف و معاریف، برابر ساختن زندگی و سطح معیشت خویش با محرومان و فقیران و مستضعفان و ... داشت، حکومت او را به عنوان «نمونه» برای همیشه تاریخ، ماندگار ساخت و دیگران را در حسرت آن گونه «عدالتهای علوی» گذاشت.

امام امت، از دوران پنج ساله حکومت آن حضرت، به عنوان نمونه ای یاد می کند که سزاوار است پیوسته برای آن جشن گرفت و برای این «مدل جهاننداری» مباحثات و افتخار کرد. می فرماید: «این پنج سال حکومت ... با همه گرفتاریهایی که بوده است و با همه زحمتهایی که از برای حضرت امیر فراهم شد، سلبش عزای بزرگ است و همین پنج ساله و شش ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند، جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از مملکتش، در جایی از مملکتش، برای یک معاهد، یک زن معاهد، یک زحمتکش بیاید یک خلخال از او، از پای او درآورد، حضرت این حاکم، این رییس ملت آرزوی مرگ می کند که مرگ برای من مثلاً بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد است، خلخال را از پایش درآورند. این حکومت، حکومتی است که در رفتنش مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند و برای همین پنج سال و پنج روز حکومتش باید جشن بگیرند. جشن برای عدالت، جشن برای خدا، جشن برای اینکه این حاکم حاکمی است که با ملت یکرنگ است، بلکه سطحش پایین تر است در زندگی و سطح روحی اش بالاتر از همه آفاق است و سطح زندگیش پایین تر از همه ملت.» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۶۶).

خطبه ای که حضرت امیر در آغاز خلافت خویش خواند (خطبه ۱۶ نهج البلاغه) منشور حکومتی او بر پایه رعایت حق و عدل و مساوات و عدالت اجتماعی بود و خبر از آن می داد که در سیستم حکومتی آن حضرت، با شهرت یافتگان و مال اندوختگان و جلوافتادگان به ناحق و حرام، برخورد خواهد شد و محرومان و صاحبان حق و مستضعفان پامال و حق باخته، به حق خویش خواهند رسید (حتی یعود اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم و لیسبقن سابقون كانوا قَصْرًا و ليقصرن سابقون كانوا سَقْوًا). و برخوردی که با «عقیل» کرد و افزون خواهی او را پاسخ مساعد نداد و وی را با آهن گداخته، از عذاب خدا بیم داد، نمونه دیگری از عدل علوی است.

شخصیت امیرالمؤمنین (ع) ترکیبی از عناصری است که هر کدام به تنهایی یک انسان عالی مقام را اگر بخواهد به اوج آن برسد، به زانو در می آورد. زهد امیر المؤمنین (ع) و بی اعتنایی او نسبت به شهوات زندگی - و زخارف دنیایی یکی از این عناصر است. علم آن بزرگوار و دانش وسیع او که بسیاری از بزرگان مسلمین و همه ی شیعه بر آن اتفاق دارند که بعد از نبی اکرم (ص) کس

دیگری غیر از امیرالمؤمنین (ع) از آن برخوردار نبوده است، یکی دیگر از این عناصر است. فداکاری آن بزرگوار در میدانهای مختلف - چه میدانهای نظامی، و چه میدانهای اخلاقی و سیاسی - یکی از این عناصر است. عبادت آن بزرگوار، یکی دیگر از این عناصر است، عدل و دادگری امیرالمؤمنین (ع) که پرچم برافراشته ی شاخصی برای عدل اسلامی است، یکی دیگر از این عناصر است. رأفت آن بزرگوار نسبت به ضعیفان - اعم از فقرا، کودکان، غلامان و کنیزان، زنان و از کار افتادگان - یک وادی عظیم و یکی دیگر از ابعاد شخصیت علی(ع) است. پیش قدمی آن بزرگوار در همه ی کارهای خیر که انسان در تاریخ زندگی آن حضرت بر خورد می کند، یکی دیگر از این عناصر است. حکمت و فصاحت آن بزرگوار نیز بخشی از این عناصر است. شمارش رؤس این مطالب هم به آسانی ممکن نیست، و در همه ی اینها در حد اعلاست.

معنویت امیرالمؤمنین (ع) و دین و اخلاق و فضیلت او از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه ی اینها ناشی از عصمت است؛ چون خداوند متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد؛ اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه ی رسالت هاست؛ این معنای غدیر است. در غدیر چنین کاری اتفاق افتاد... شما می بینید که مدت کوتاه کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین (ع) به عنوان نمونه و الگو و چیزی که بشریت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد در طول قرن ها همچنان می درخشند و باقی مانده است؛ این نتیجه ی درس و معنا و تفسیر واقعه ی غدیر است. ... بزرگترین خطر برای نظام و حکومتی مثل نظام و حکومت ما که با نام اسلام به وجود آمده، این است که ما فراموش کنیم الگوی حکومت ما، امیرالمؤمنین (ع) است؛ به الگوی رایج دنیا و تاریخ نگاه کنیم و خود را با آنها مقایسه کنیم؛ به روش حکومت های منحرفی که در طول تاریخ، روز به روز به بشریت ضربه زده اند نگاه کنیم؛ اگر یک جنبه از زندگی انسان را رونقی بخشیدند، جنبه ی دیگری را دچار ضایعات جبران ناشدنی کردند.

مسأله ی غدیر و تعیین امیرالمؤمنین به عنوان ولی امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (ص) یک حادثه ی بسیار بزرگ و پُرمعناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله ی مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می کند. این طور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه ی اسلامی، رها و بی اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه ی پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می کند. معلوم می شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه ی مسلمین و همه ی کسانی است که امیرالمؤمنین را می شناسند. این نشان می دهد که جامعه ی اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند. مشکل جوامع بشری هم در مهمترین مقاطع، در همین نقطه بوده است؛ یعنی جوامع بشری هرگاه از زمامداران باتدبیر و باتقوا و پرهیزگار و شجاع برخوردار بوده اند، توانسته اند قدمهایی جلو برونند. آن وقتی که جوامع دچار مدیرانی شدند که برای آنها پرهیزگاری و پاکدامنی معنا نداشت، ترجیح منافع مردم بر منافع خودشان مطرح نبود، ترس از خدا و محاسبه ی الهی برایشان مطرح نبود - انسانهای ضعیف، انسانهای دلبسته ی به منافع و شهوات شخصی - مشکلات برایشان به وجود آمد؛ چه مشکلات مادی و چه مشکلات اخلاقی و معنوی. این که می بینید ملل اسلامی و کشورهای اسلامی در برهه یی از تاریخ، مقهور قدرتهای ظالم و متجاوز شدند، علت همین بود.

روز غدیر به فرموده امام جعفر صادق(ع) بزرگترین و از بهترین اعیاد اسلامی است. غدیر عیدی است که از تمام اعیاد عظمت و شرافت و فضیلت و حرمتش بیشتر است. در این روز پیامبر اکرم(ص) به امر پروردگار حضرت علی(ع) را به امامت و خلافت پس از خود منصوب فرمودند و به نص قرآن کریم در چنین روزی اکمال دین و اتمام نعمت الهی بر مسلمانان گردید و به فرموده امام صادق (ع) لازم است در چنین روز با عظمتی جشن و سرور به پا نمایند و به دیدار یکدیگر بروند و تبریک و تهنیت بگویند.

ولایت انسان های کامل سبب کمال دین و تمام نعمت است و مکتبی که دارای ولایت انسان های کامل است، خدا پسند است. این ۳ وصف ممتاز در جریان غدیر نازل شد که **الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام**

غدیر، کسی را در مقابل چشم مسلمانان و دیدگان تاریخ قرار دادند که از ارزشهای اسلامی، به طور کامل برخوردار بودند. یک انسان مؤمن؛ دارای اعلای تقوا و پرهیزکاری؛ فداکار در راه دین؛ بی‌رغبت نسبت به مطامع دنیوی؛ تجربه شده و امتحان داده در همه میدانهای اسلامی: میدانهای خطر؛ میدانهای علم و دانش؛ میدان قضاوت و امثال اینها. یعنی با مطرح شدن امیرالمؤمنین ع به عنوان حاکم و امام و ولیّ اسلامی، همه مسلمانان در طول تاریخ باید بدانند که حاکم اسلامی، باید فردی در این جهت، با این قواره‌ها و نزدیک به این الگو و نمونه باشد. پس، در جوامع اسلامی، انسانهایی که از آن ارزشها نصیبی ندارند؛ از فهم اسلامی، از عمل اسلامی، از جهاد اسلامی، از انفاق و گذشت، از تواضع و فروتنی در مقابل بندگان خدا و آن خصوصیات که امیرالمؤمنین ع داشتند، بهره‌ای نداشته باشند، شایسته حکومت کردن نیستند. پیغمبر، این معیار را در اختیار مسلمانان گذاشتند. و این، یک درس فراموش نشدنی است. عید غدیر عید حکومت دینی و سیاست دینی است. ما مسلمان‌های معتقد هستیم همان طور که ابلاغ احکام دینی، شرعی و بیان واجبات و محرمات بر پیامبر واجب بود، تعیین تکلیف حکومت اسلامی هم وظیفه دینی پیامبر بود و بلکه این وظیفه از آن وظایف دیگر مهم‌تر بود. پیام غدیر این است که حکومت در جهان‌بینی اسلامی یک موضوع دینی و یک امر معنوی و اسلامی است و اگر دقت کنیم تصدیق می‌کنیم که همین گونه هم باید باشد.

مراجع

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۸.
۲. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸.
۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۶.
۴. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۶۷.
۵. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۶۶.